

گفت و گو با محمود صالحی حول برخی موانع و معضلات کنونی تشکل یابی کارگران



بهروز خباز

س: آقای صالحی شما سال ها عضو هیئت مدیره ی انجمن صنفی خبازان سقز بوده اید، لطفاً در مورد این که چطور شد انجمن صنفی را به عنوان تشکل خویش برگزیدید توضیح دهید؟

ج: اولاً انجمن صنفی خبازان نیست. انجمن صنفی کارگران خبازی های سقز و حومه می باشد. دوماً من خودم کارگر خباز می باشم و از 6 سالگی در این شغل مشغول به کار هستم. کارگران خباز در زمان رژیم شاه سندیکا داشتند. ولی به دلایل های خاصی که من اطلاعی از آن ندارم، سندیکا بسته شد و رهبران آن را به زندان فرستادند. با اوج گیری مبارزات مردم ایران در برابر رژیم شاه، کارگران خباز سقز هم سریع و بدون فوت وقت به این مبارزه پیوستند. دومین کسی که در جریان حمله به شهربانی سقز در غروب 22 بهمن زخمی شد، کارگر خباز بود. به دنبال آن کارگران خباز در یک شب سندیکای خود را تشکیل و قسمتی از ساختمان ساواک شهر سقز را به کنترل خود درآوردند. من هم مثل ده ها کارگر خباز هر چند که در آن زمان نوجوانی بیش نبودم، اما در تشکیل سندیکا نقش داشتم. بعد از تصرف کردستان توسط دولت، فعالان سندیکا به ناچار شهر سقز را ترک و به دیگر شهرهای ایران رفتند که من خودم یکی از آنان بودم. به این دلیل که کسانی از کارفرمایان از ما به عنوان کمونیست و ضد انقلاب نزد سپاه پاسداران شکایت می کردند. ما ناچاراً شهر را ترک کردیم و عملاً سندیکا از بین رفت. با این پیشینه، کارگران نسل جدید و آگاه پا به عرصه ی مبارزه گذاشتند. بعد از تصرف سقز آنان در فکر تشکیل سندیکای خود بودند. این کارگران در سال 1373 موفق شدند مجوز تشکیل انجمن صنفی کارگران خبازی های سقز و حومه را بگیرند که من هم بعد از این که اطلاعیه ی مجمع عمومی را پخش کردند، در مجمع شرکت کردم. در مجمع عمومی کارگران به رئیس اداره ی کار وقت گفتند که باید محمود صالحی در بین کاندیداها باشد، در غیر این صورت ما در انتخابات شرکت نخواهیم کرد. من که چند سالی بود به سقز برگشته بودم و کسی از کارگران را نمی شناختم در آن زمان درخواست کارگران را قبول کردم و در آن انتخابات

شرکت کردم که در نتیجه کارگران به من رأی دادند و بازرس انجمن صنفی کارگران خبازی ها سقز و حومه شدم. (چند سال بعد دبیر و عضو هیئت مدیره شدم).

س: آیا در حال حاضر شما عضو این انجمن هستید؟

ج: بلی من عضو این انجمن هستم و در حال حاضر هیچ گونه مسئولیتی ندارم. به این دلیل که در سال 1377 به دستور مسئولان وقت اداره ی اطلاعات سقز من را از کار اخراج و به کلیه ی کارفرمایان گفتند که به من کار ندهند. برابر قانون کار هم کسی که خود در آن صنف مشغول نباشد نمی تواند نماینده ی کارگران همان صنف باشد. (هر چند حتی اگر هم مشغول به کار هم باشیم، از طرف مسئولان تأیید نمی شویم). ما از آن زمان به بعد کمیته ی دفاع از کارگران اخراجی و بیکار را تشکیل دادیم تا محدوده ی فعالیت خود را وسیع تر و مسائل حقوقی کارگران را پیگیری کنیم که خوشبختانه توانستیم 95 درصد پرونده ی کارگران را در هیئت های تشخیص و حل اختلاف شهرهای ایران از جمله مهاباد، سنندج، بانه، بوکان، بیجار، میاندوآب و سقز را این کمیته بدون هیچ هزینه ای بر عهده بگیرد. (اخیراً این کمیته نام خود را به " انجمن دفاع از کارگران اخراجی" تغییر داده است) حوزه ی فعالیت این انجمن نامحدود است و با درخواست کارگران اخراجی اعضای این انجمن می توانند در ادارات کار و امور اجتماعی کارگران را نمایندگی نمایند.

س: موانع حقوقی انجمن های صنفی در ارتباط با دستیابی کارگران به مطالبات خویش چیست؟

ج: ببین انجمن صنفی برای کارگاه هایی است که پراکنده و زیر 10 نفر نیرو دارند. اگر به خباز، کفاش، سوپرمارکت، چلوکبابی، ساندویچی، کبابی و نجار توجه کنید این صنف ها هر کدام در خیابان یا محله ای هستند و زیر یک سقف کار نمی کنند، به همین دلیل کارفرما می تواند ماده 149 قانون کار را رعایت نکند. اما برای کارخانه ها و شرکت های بزرگ دیگر انجمن صنفی چرا؟

اگر کارگران در کارخانه ها و شرکت های بزرگ انجمن صنفی را تشکیل دهند عملاً کارفرمایان را از اجرای ماده ی 149 قانون کار معاف کرده اند. ما نباید این حداقل های قانون کار را از دست دهیم، در قانون کار سه نوع تشکل آزاد است: 1- شورای اسلامی کار، که شامل کلیه ی پرسنل آن کارخانه یا شرکت می باشد. 2- انجمن صنفی، که مربوط به یک صنف خاص است. 3- نماینده ی کارگران، که کارگران می توانند در هر شرایطی که خود اراده کنند آن نمایندگان را انتخاب کنند. تشکیل انجمن صنفی هم برابر قانون کار بلامانع است. اما در زمان تشکیل انجمن اداره ی کار خود را قیم آن می داند. ولی با گذشت زمان کوتاهی نماینده ی کارگر متوجه می شود که اداره ی کار نه این که نمی تواند برای آنان کاری انجام دهد، بلکه سد راه مبارزه ی کارگران می باشد. این مسئولان اداره ی کار هستند که مانع رسیدن کارگران به مطالبات خویش می باشند. هر کاندیدا باید چند ماه قبل از انتخابات پرونده تشکیل دهد و به اداره ی کل حراست بفرستد، این پرونده حاوی کلیه ی اطلاعات در ارتباط با فردی است که خود را برای نمایندگی کارگران کاندید کرده است. شخص کاندیداتور الزاماً می بایست از طرف حراست مورد تأیید قرار گیرد. طبیعی است که هیچ گاه کارگران آگاه به مسائل طبقاتی مورد تأیید قرار نمی

گیرند. (نمونه زیاد است) اگر یکی یکی به موانع اشاره کنیم در این مصاحبه کوتاه نمی‌گنجد. تنها می‌توانم بگویم که 50 درصد از نمایندگان که در این انجمن‌های صنفی فعالیت می‌کنند آدم‌های خوب و شریفی هستند و برای رسیدن کارگران به مطالبات‌شان خیلی فعال می‌باشند. اما با توجه به این که، به آنان تفهیم کرده‌اند که شما صنف هستید، بنابراین فعالین این نوع تشکل‌ها نیز از خط قرمزها عبور نمی‌کنند. مسئله‌ی اصلی این جاست، نماینده‌ی کارگران در انجمن‌ها و تشکل‌هایی که مجوز فعالیت دارند، تنها مجبورند طبق همین قانون کار فعالیت کنند که در آن اعتصاب و کنترل کارگری قانونی نیست!! بنابراین کارگری که 20 ماه حقوق دریافت نکرده است بدون اینکه کسی به فکرایشان باشد باید به کدام مرجعی مراجعه کند؟ طبیعی است باید به اداره کار و هیئت‌های تشخیص و حل اختلاف محل کار. این جاست که کارگران متوجه می‌شود که موانع رسیدن به مطالبات‌شان مسئولان و قانون کار فعلی است. متوجه می‌شوند که حتی همان قانون کار فعلی هم اجرا نمی‌شود. صدها کارگر با در دست داشتن ارای صادره از طرف ادارات کار در راه‌روهای دادگاه‌ها سرگردان و هر روز ناامیدانه به منزل بر می‌گردند. همگی ما اطلاع داریم که در سال 1385 چطور کارفرمایان در برابر بخشنامه شورای عالی کار که در آن دو نوع دستمزد تصویب شده بود در یک اعتراض کوتاه مدت آن را تغییر دادند. در این جریان نه کسی دستگیر شد و نه کسی مورد تعقیب قرار گرفت.!! اما اگر ما کارگران برای حقوق‌های معوقه خود و تشکیل تشکل‌های کارگری اقدامی کنیم. بلافاصله بازداشت، زندان، تعقیب، تهدید و اخراج می‌شویم. در بعضی جاها نماینده‌ی کارگران را که در انجمن‌های صنفی فعالیت می‌کنند و مجوز فعالیت هم دارند، بازداشت و به آنان حکم داده‌اند. به این دلیل که از خواست و مطالبات کارگران پیگیرانه دفاع کرده‌اند. پس با این حساب به این نتیجه می‌رسیم، که مسئولان در ادارات کار با اتکاء به آئین‌نامه‌های داخلی که کسی از آن خبر ندارند مانع بزرگی در راه رسیدن طبقه کارگر به مطالبات‌شان هستند.

س: ویژگی‌های انجمن صنفی با تشکل‌هایی مانند شورای مستقل کارگری و یا سندیکا چیست؟ آیا می‌توان از انجمن صنفی به عنوان تشکل مستقل کارگری نام برد؟

ج: البته انجمن صنفی در کلیت خودش همان سندیکای قبلی است. اما شورای کارگری به تشکلی می‌گویند که کارگران هم قانون‌گذار باشند و هم مجری قانون. به هر حال ما نباید برای تشکلی که تشکیل نشده نسخه پیچی کنیم. هر تشکلی که تشکیل می‌گردد آن را باید با جهت‌گیری‌هایش رادیکال و کارگری دانست. نه این که قبل از تأسیس آن را ضد کارگری و یا... بدانیم. مبارزه‌ی طبقاتی با شعار دادن به پیش نخواهد رفت. بلکه باید تئوری و پراتیک را با هم ادغام کرد. ما باید فرهنگ تشکل‌یابی را ترویج کنیم. نباید از این بترسیم که فردا چه خواهد شد؟ ما وظیفه داریم که گرایش‌های طبقاتی را در بین کارگران تبلیغ کنیم. این امر برای فعالان کارگری تعطیل‌ناپذیر است.

در این سال‌ها تعدادی تشکل ایجاد شده‌اند، عده‌ای دُکم به این چسبیده‌اند که تشکل ما صنفی است، اما به نظر من این توهم به نظام سرمایه‌داری است. صنف به این معناست که من در صنف خباز کار می‌کنم نه این که خواسته‌ی من گرفتن چند حلب روغن یا چند کیلو برنج باشد. هر تشکلی که صرفاً مسائل این‌چینی را در دستور کار خود قرار دهد،

نمی تواند تشکل کارگری باشد، حالا این تشکل هر نامی را که می خواهد داشته باشد. اما کلمه ی مستقل بودن که مثل نُقلُ نبات بر سر زبان هاست، واقعاً چه مفهومی دارد؟ که هر زمان فعالان کارگری بخواهند خود را از تشکل های موجود جدا کنند، کلمه ی مستقل را بر زبان می آورند. تشکل های تشکیل شده تنها زمانی می توانند واقعاً طبقاتی و نماینده کارگران باشند که در عرضه عمل آن را به اثبات برسانند. " فرست طلب ها مثل ماهی لیس هستند که هر زمان بخواهید آن را بگیرید فرار می کند، باید آن را در عرضه عمل گرفت. " من خودم به تشکلی اعتقاد دارم که منتخب خود کارگران باشد.

س: از نظر شما دستیابی کارگران به تشکل مستقل خود از چه طریقی امکان پذیر است؟

ج: از هیچ طریقی به جز اراده ی کارگران و با حضور گرایشات رادیکال کارگری، امکان پذیر نیست. کارگران نباید از چیزی هراس داشته باشند. داشتن تشکل حق ماست. ما نباید یک لحظه هم در ایجاد تشکل های خود تعلل کنیم. این که چه نوع تشکلی است و یا در آینده چه خواهد بود، زمان به آن جواب خواهد داد.

س: در حال حاضر کارگران هفت تپه در مسیر تشکیل سندیکای خود هستند، شما با شناختی که از مبارزات کارگران و وضعیت شرکت کشت و صنعت هفت تپه دارید، نقاط مثبت و منفی این مبارزات و چشم انداز آن را چگونه می بینید؟

ج: توجه داشته باشید، کسی که خود وارد میدان عمل نشود، خیلی حرف های جالب و دوست داشتنی می زند، کسی که اعتصاب غذا نکند، نمی داند فرد اعتصابی در آرزوی چه چیزی سر به بالین می گذارد. اما اگر کسی وارد این میدان شد می داند چه کار باید بکند. کارگران هفت تپه خود باید تصمیم گیری کنند و کسی حق ندارد برای آنان تعیین تکلیف کند. این خود کارگران هستند که در عمل هزینه دادند هر چند ما به عنوان یک هم طبقه ای همیشه به فکر آنان هستیم و من به این اعتقاد دارم که این هم طبقه ای ها یک روز نیرو خواهند گرفت و تمام دنیای سرمایه داری را...

کارگران هفت تپه در عمل اثبات کرده اند که به حق مبارزاتی را شروع کردند که افق روشنی در انتظارشان است و من هم به این مبارزه خوش بین هستم و جنبش کارگری ایران باید به آنان افتخار کند. من تنها می توانم بگویم که کارگران هفت تپه باید از تجربه ی کارگران دیگر نقاط ایران و جهان استفاده کنند تا تشکلی پویا و فعال داشته باشند. تعداد کارگران هفت تپه به تعداد کل کارگران شهر ما (سقز) می باشد و در یک شرکت با قسمت های مختلف کار می کنند. کارگران هفت تپه در موقعیت خاصی قرار دارند. پس داشتن یک شورای کارگری و منتخب خود کارگران حق آنان است.

س: به عنوان آخرین سؤال آقای صالحی به نظر شما چرا باید از استقلال تشکل کارگری دفاع کرد؟ و نقش احزاب و جریانات سیاسی را در این استقلال چگونه می بینید؟

ج: وقتی ما حرف جنبش را می زنیم پس باید از استقلال آن هم دفاع کنیم، چون این جنبش متعلق به کل طبقه ی کارگر است نه فعالان حزب یا جریان خاص.

کسانی یا احزابی وجود دارند نه تنها هیچ کاری برای طبقه ی کارگر نکرده اند، بلکه به حال این جنبش هم مضر بوده اند. اما هر روز با این جنبش فیگور می گیرند و جنبش را از آن خود می دانند. این یک استراتژی است نه یک تاکتیک در سیاست این جریان ها. این جریانات سیاسی هر روز با بوق و کرنا گوش دنیا را کر کرده اند، که ما متعلق به

طبقه ی کارگر هستیم. این جاست که وظیفه ی فعالان کارگری چند برابر می شود و مبارزه ی آنان نباید تعطیل بردار باشد و شبانه روز باید پیگیرانه این جریانات را افشا و تاریخچه ی آنان را برای کارگران بازگو کنند. فعالان کارگری نباید طبقه ی کارگر را به حال خود بگذارند و دنبال فعالان حزب یا جریان خاص بروند. این وظیفه ی فعالان کارگری است که قبل از این که کارگران به روی جریانات غیر کارگری لبخند بزنند و از آنان مثل ابزار استفاده شود، ماهیت آن جریان را بررسی و به طبقه ی کارگر تفهیم کنند که این جریانات تا چه اندازه کارگری هستند. به عنوان مثال، آیا کسی تا به امروز مشاهده کرده است که شخصی خود را برای مجلس یا ریاست جمهوری کاندید کرده باشد و به سرمایه داران بگوید: من از شما سرمایه داران حمایت می کنم و از جنس شما هستم؟ خوب جواب منفی است، برای این که کلیه ی کاندیداتورها با شعارهای: "ما از محرومان و طبقه ی محروم دفاع می کنیم" به میدان انتخابات می آیند. این فعالان کارگری و کارگران آگاه هستند که باید در برابر این جریانات کارگر نما به کارگران آگاهی دهند که دیگر بازیچه و ابزار جریانات غیر کارگری نشوند.

در پایان اگر صحبت دیگری با هم طبقه ها و فعالان کارگری دارید، لطفاً بفرمایید؟
طبقه کارگر خالق تمام نعمت های این جهان است ، پس لیاقت دارد که یک زندگی انسانی و به دور از گرسنگی و بیکاری داشته باشد .
کارگران : ما می توانیم با اتحاد و یک پارچگی این زندگی را به دست آوریم .
(به پیش)

محمود جان از این که با وجود مشکلات جسمی، شرکت در این گفت و گو را پذیرفتی بی نهایت از تو سپاسگزارم.